

# نگرشی بر مبانی و اصول اجرای موسیقی

شریف لطفی

صحیح به معنای ایجاد امکان ارسال تصاویر و وضعیت‌های متنوع اصوات موسیقایی (فواصل) در پنج خط حامل و اشکال گوناگون الگوهای ریتمیک در مغز و در نهایت سپردن آگاهانه آنها به محفوظات (حافظه) می‌باشد.

طبیعی است با بروز و نمود ذهنی (فی البداهه) موارد اشاره شده در مقاطع گوناگون فراگیری، یعنی سرایش بداهه اصوات موسیقایی (فواصل) و نیز وزن خوانی بداهه ریتم‌ها و در نهایت اختلاط آنها (ملودی)، می‌توان نسبت به شناخت آگاهانه آنها در ذهن اعتماد قطعی یافت.

در این صورت با توجه به امکان درک تصویری ریتم‌ها و اصوات موسیقایی و اختلاط آنها (ملودی) از راه بینایی و نیز بداهه‌پردازی ذهنی آنها، با اطمینان می‌توان گفت زمینه مناسبی در فراگیرنده برای درک شنوایی تمامی موارد فوق مهیا می‌گردد. با این روال امکان فعالیت ذهنی (بداهه‌پردازی) ما مرهون پشتکار ما به هنگام تمرینات از راه بینایی بوده و همین‌طور درک شنوایی ما نیز نسبت به تمامی موارد فوق به پشتوانه تمرینات لازم ذهنی (بداهه‌پردازی) نیازمند است.

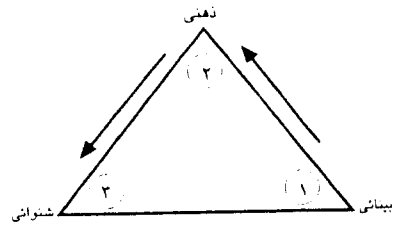
مجموعه موارد فوق را می‌توان به شکل مثلث زیر تجسم نمود.

مبانی موسیقی با دو جنبه نظری<sup>۱</sup> و عملی<sup>۲</sup> زمینه‌ساز اجرای موسیقی است. این مقاله که تنها به مبانی عملی موسیقی و یا «مبانی اجرای موسیقی» می‌پردازد فرض را به شناخت مطالعه‌کنندگان خود از مباحث «مبانی نظری موسیقی» قرار داده است. در ارتباط با «مبانی اجرای موسیقی»، پیوستگی متقابل دو مبحث مبانی و اجرای موسیقی به یکدیگر تا حدی است که برای تعیین حدود و گستره آن ناگزیریم نخست تعریفی کلی از اجرای موسیقی ارائه کنیم.

وقتی سخن از اجرای موسیقی به میان می‌آید هر یک از کلمات اجرا و موسیقی نیز باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. «اجرا» مسلماً به اجراکننده برمی‌گردد که خود از پنج حس بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه<sup>۳</sup> برخوردار است که به غیر از دو تای اول بقیه نقش اصلی در اجرای موسیقی ندارند.

علاوه بر دو حس بینایی و شنوایی، نیروی ذهنی اجراکننده نیز در اجرای موسیقی توسط وی دخالت تام دارد. بنابراین تربیت جداگانه و مرتب با هم این سه عامل (بینایی،<sup>۴</sup> ذهنی،<sup>۵</sup> شنوایی<sup>۱</sup>) حتی پیش از آن‌که شخص به آموختن ساز مشغول شود و در طی آن، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بدین ترتیب دیدن نت‌های موسیقی با شیوه

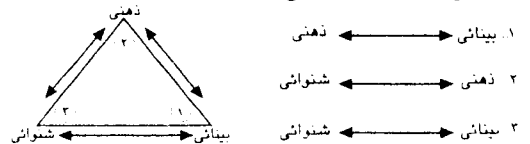
به عبارتی در مرحله اول پیام‌های سمعی و بصری از راه چشم‌ها و گوش‌ها به مغز می‌رسد و در مرحله دوم، مغز طبق دانش کسب‌شده ابتدا پیام را درک می‌کند سپس به‌طور ارادی فرمان لازم را به اندامی که عهده‌دار عمل اجرا است نظیر حنجره، دست‌ها، انگشتان و غیره صادر می‌کند.



اکنون به اختصار می‌توان گفت تقویت بینایی در اینجا به معنای رسیدن به توان خوب روخوانی فی‌البداهه<sup>۷</sup> موسیقی مکتوب و تقویت ذهنی<sup>۸</sup> یعنی دستیابی به امکان خوب بداهه‌پردازی در سرایش اصوات موسیقایی (فواصل) و ریتم‌ها و نیز اختلاط<sup>۹</sup> آنها، همین‌طور است شنوایی<sup>۱۰</sup> که دستیابی به توان مطلوب در آن به معنای حصول به درک اصوات موسیقایی (فواصل)، ریتم‌ها و نیز اختلاط آنها از راه شنوایی می‌باشد.

لازم به ذکر است، مقصود از شنوایی دیگته موسیقی است و منظور تقلید اصوات فواصل و ریتم‌ها به منزله ایجاد زمینه‌های اولیه ذهنی نسبت به آنها نمی‌باشد. زیرا این مرحله از ارتباط آموزش شنوایی (تقلید اصوات فواصل و ریتم‌ها) در آغاز راه فراگیری موسیقی لزوماً مورد نظر آموزش‌دهندگان قرار خواهد گرفت.

بدیهی است هماهنگی‌های لازم بین هر یک از ارتباطات اجرایی فوق (بینایی، ذهنی و شنوایی) پس از حصول به نتیجه‌های لازم در یکایک این مراحل نیز مورد نظر می‌باشد.



۱. بینائی ↔ دهنی
۲. دهنی ↔ شنوائی
۳. بینائی ↔ شنوائی

نمودار فوق در حقیقت ناظر بر دو مرحله:

۱- پیام‌رسانی به مغز ۲- فرماندهی توسط آن است. به این معنا که کل فرایند اجرا قابل تفکیک به دو مرحله ورودی (ارسال پیام‌ها به مغز) و خروجی (صدور فرمان از مغز) می‌باشد.

طبیعی است مغز می‌تواند در مواردی پیام‌های اجرایی لازم را از حافظه نیز دریافت نماید. در این صورت اجرای موسیقی فاقد برخوردار عینی است. در چنین شرایطی باید مراقب خطرات بزرگی همچون اجرای به‌دور از ذهنیت آگاه و متکی بر حافظه طوطی‌وار و نیز عادت برآمده از تکرار بدون وقوف بر مورد اجرا، باشیم.

روش نوین «مبانی و اصول اجرای موسیقی» برآن است که با پرورش هرچه بیشتر تر مغز در ارتباط با عوامل عمده موسیقی (ریتم - اصوات موسیقایی) و نیز اختلاط این دو به عمل اجرا کیفیت برتری دهد و آن را به انجام عملیات فیزیکی روی ساز و صرف تمرین از راه تکرارهای ناآگاهانه محدود نسازد. اصرار این روش تعلیمی مبنی بر اینکه اجراکننده پیش از نواختن قطعه با ساز به اجرای آن بدون ساز و تنها از راه مطالعه نیز بپردازد از همین طرز فکر نشأت می‌گیرد و این امر به معنای دستیابی به وقوف پیش از اجراست.

برای رسیدن به آگاهی‌های پیش از اجرا چنانچه اشاره شد، نخست به ترتیب انواع گوناگون الگوهای ریتم، اعم از:

- ۱- ساده بدون سکوت
- ۲- ساده با سکوت
- ۳- ترکیبی بدون سکوت
- ۴- ترکیبی با سکوت
- ۵- اختلاط موارد فوق

را وزن خوانی نموده، تا حدی که بتوان با در کنار هم قراردادن این الگوهای ریتم به صورت خطوط

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی